

# اعلام دستمزد واقعی؛ پیش‌شرط رفاه‌نیمی از کشور

حق‌بیمه مبتنی بر مزد واقعی، سنگ‌بنای مستمری، امنیت شغلی و کیفیت خدمات رفاهی است؛ هر ریا ل کم‌اظهاری، گامی دیگر به سوی ناترازی صندوق و مستمری‌های حداقلی فردای کارگران خواهد بود



## مزد پنهان؛ امنیت متزلزل

واقعی زمینه ناترازی منابع را فراهم می‌کند؛ ناترازی‌ای که در مواردی سازمان‌های بیمه‌ای را به سمت دریافت تسهیلات اعتباری برای انجام تعهدات سوق داده است. تعهدات مالی ناشی از این تسهیلات تا سال‌ها بر دوش صندوق‌ها می‌ماند و پایداری مالی آن‌ها را فرسوده می‌کند. اصلاح ساده‌اما اساسی رویه‌اعلام مزد غیرواقعی، به تنهایی می‌تواند بخش مهمی از این ناترازی را جبران کند و منابعی قابل توجه برای تأمین اجتماعی فراهم آورد؛ منابعی که در عمل به کاهش نیاز به تسهیلات بیرونی و تقویت استقلال مالی سازمان منجر می‌شود. تدوین سیاست‌های بلندمدت، تکیه بر محاسبات دقیق بیمه‌ای و وصول به‌موقع حق‌بیمه، شالوده تحقق پایداری در نهادهای بیمه‌گر به‌ویژه تأمین اجتماعی است؛ شالوده‌ای که بدون آن تراز منابع و امکان ارائه خدمات پایدار، همواره در معرض تهدید قرار می‌گیرد. در این میان محدودیت ابزارهای حقوقی و اجرایی سازمان برای وصول مطالبات حق‌بیمه از دولت‌ها، سال به‌سال به انباشت بدهی‌ها انجامیده و بار مضاعفی بر دوش صندوق گذاشته است؛ باری که تنها با اصلاح رفتارها در سطح کارگاه‌ها و حاکمیت، و پذیرش جدی بودن اعلام مزد واقعی، سبک‌تر خواهد شد.

## مهناز بیرانوند

روزنامه نگار

## اصلاح مقررات؛ تضمین پایداری بیمه‌ها

پایداری صندوق‌های بازنشستگی، در گرو وصول مستمر حق‌بیمه و تقویت جریان بیمه‌پردازی است؛ زیرا بخش اعظم منابع این صندوق‌ها از دل پرداخت‌های کارفرمایان و بیمه‌شدگان تأمین می‌شود و هرگونه اختلال در این چرخه، تعادل منابع و مصارف را برهم می‌زند. دولت‌ها طی دهه‌های گذشته برای حمایت از گروه‌های شاغل و غیرشاغلی که نیازمند چتر بیمه‌ای بوده‌اند، قوانین حمایتی متعددی وضع کرده‌اند؛ قوانینی که امکان پوشش بیمه‌ای اقشار مختلف را فراهم و بخشی از حق‌بیمه آنان را از محل بودجه عمومی پرداخت کرده است. این حمایت‌ها در ظاهر دوسودهم‌زمان دارند؛ توسعه بیمه‌های اجتماعی در اجرای اصول قانون اساسی و تقویت درآمد‌های پایدار صندوق‌ها. اما این چرخه زمانی مفید است که دولت سهم خود را به‌موقع ایفا کند؛ در غیر این صورت، معوقات انباشته‌شده به‌تدریج به چالشی ساختاری بدل می‌شود.

سازمان تأمین اجتماعی اگرچه همواره استمرار خدمات بیمه‌ای و درمانی را—حتی در شرایط تأخیر دولت—حفظ کرده، با واقعیتی روبه‌روست که نیازمند بازنگری قانونی است. قوانین حمایتی موجود در حوزه بیمه‌های اجتماعی در مواردی سبب شده‌اند که تعهدات دولت به سازمان انباشته شود و فشار مضاعفی بر منابع عملیاتی وارد آید. به همین دلیل، اصلاح این قوانین باید به‌گونه‌ای صورت گیرد که پوشش بیمه‌ای اقشار نیازمند ادامه یابد، اما پرداخت دولت از مسیرهای شفاف و قابل پیگیری انجام شود و بدهی‌های مزمن به‌چرخه منابع صندوق‌ها بازنگردد.

در سال‌های گذشته نمونه‌هایی مشاهده شد که برخی کارگاه‌ها با حداقل مستندات از معافیت‌ها و کمک‌دولت استفاده می‌کردند؛ روندی که اکنون با سخت‌گیری بیشتر، از جمله الزام به ارائه جواز کسب و مدارک تولیدی بودن، تا حدی اصلاح شده است. با این حال، مسئله دیگری که همچنان باقی است به صحت اشتغال بیمه‌شدگان این کارگاه‌ها و سازوکار بازرسی‌بازمی‌گردد. تأخیر در پرداخت سهم ۲۰ درصدی دولت برای این دسته از کارگاه‌ها، مشکل دیگری است که تأمین منابع نقدی صندوق را دشوار و فرآیند برنامه‌ریزی را مختل می‌کند. فرایند وصول مطالبات از دولت نیز پیچیدگی‌های اداری خاص خود را دارد و همین موضوع، لزوم بازنگری مقررات را دوجندان می‌کند.

بازنگری هوشمندانه در قوانین، نه‌تنها امکان شناسایی واقعی مشاغل و کارگاه‌های شایسته حمایت را فراهم می‌آورد، بلکه از هدررفت منابع در حمایت از واحدهای غیرمشمول جلوگیری می‌کند. ساختار قانونی فعلی بر پایه نرخ ۳۰ درصد حق‌بیمه شکل گرفته است؛ سهمی که در کارگاه‌های مشمول کمک‌دولت، بخش کارفرمایی آن باید از سوی دولت پرداخت شود. هرگونه تأخیر در این بخش به کاهش منابع صندوق می‌انجامد، در حالی که سازمان همچنان مکلف به ارائه خدمات است. بررسی دقیق اشتغال واقعی، تطبیق فعالیت کارگاه‌ها با مجوزهای صادره و راستی‌آزمایی مستمر، باید به‌اصول دائمی نظام نظارتی تبدیل شود. واهد

“

## کم‌اظهاری

## دستمزد،

## مسیری

## خاموش برای

## فرسایش

## حقوق کارگران

## است؛ مسیری

## که آثار آن در

## بازنشستگی،

## بیمه بیکاری

## و حمایت‌های

## درمانی آشکار

## می‌شود

وصول کامل حق‌بیمه بر مبنای مزد واقعی، مهم‌ترین ابزار تأمین منابع، کاهش اتکا به درآمد‌های ناپایدار و تقویت پایداری بلندمدت تأمین اجتماعی به‌شمار می‌رود. افزایش سالانه ده‌ها هزار میلیارد تومان حق‌بیمه ناشی از ثبت دستمزد واقعی، شکاف منابع و مصارف را کاهش داده و امکان برنامه‌ریزی مطمئن‌تر برای نسل‌های امروز و فردای بیمه‌شدگان را فراهم می‌کند. در سایه چنین درآمد‌های تضمین‌شده‌ای است که سازمان می‌تواند خدمات درمانی، بازنشستگی و حمایتی را با کیفیت بهتر و پایداری بیشتر عرضه کند. دسترسی به داده‌های واقعی دستمزد نیز امکان تحلیل دقیق‌تر تحولات بازار کار، طراحی سیاست‌های اثربخش و پیش‌بینی مالی واقع‌بینانه را فراهم می‌آورد. حیدری همچنین با اشاره به اثر نوسانات اقتصادی و تورم بر پایداری صندوق‌ها، تأکید می‌کند تنها تکیه بر محاسبات دقیق بیمه‌ای و انضباط در وصول حق‌بیمه واقعی است که می‌تواند در برابر این نوسانات، تعادل منابع و استمرار مأموریت حمایتی نهادهای بیمه‌گر را تضمین کند.

## تخلف یا تهدید سیستماتیک

مسیر اعلام دستمزد واقعی را نمی‌توان تنها در چارچوب یک «تخلف اداری» خلاصه کرد؛ سخن از رفتاری است که به‌باور بسیاری از کارشناسان بیمه‌های اجتماعی، به تهدیدی سیستماتیک برای امنیت اجتماعی و اقتصادی میلیون‌ها نفر از نیروی کار و ذی‌نفعان نهادهای بیمه‌گر تبدیل شده است. مسئله تنها به کم‌اظهاری حقوق در لیست‌های بیمه‌ای ختم نمی‌شود، بلکه نتیجه هم‌نشینی چند عامل است؛ ضعف بازرسی‌های میدانی، نظارت ناکافی، اجرای نامنم قوانین، فقدان فرهنگ بیمه‌ای در بخشی از جامعه کار و کمرنگ‌بودن سیاست‌های حمایتی هوشمند برای تشویق کارفرمایان قانون‌مدار. تحلیل علیرضا حیدری، کارشناس حوزه بیمه‌های اجتماعی، بر این نکته انگشت می‌گذارد که بی‌توجهی به اعلام مزد

کارگاه‌ها بدل شده و نوعی دوگانگی میان آنچه پرداخت می‌شود و آنچه به سازمان‌های بیمه‌گر گزارش می‌شود، شکل گرفته است؛ واقعیتی تلخ که امنیت معیشتی میلیون‌ها کارگر را به‌ویژه در دوره بازنشستگی نشانه می‌رود و رکنی از اعتماد متقابل میان کارگر، کارفرما و صندوق بیمه‌ای را مخدوش می‌کند.

تصویری که از کارگاه‌ها به دست می‌آید، حکایت از آن دارد که شمار قابل توجهی از کارگران غیررسمی و حتی بعضی واحدهای رسمی، تنها بخشی از دریافتی خود را در قالب حقوق پایه یا مزد مشمول حق‌بیمه به ثبت می‌رسانند؛ رقمی که گاهی تنها سی تا چهل درصد مزد نقدی آنان را پوشش می‌دهد و بخش عمده پرداخت‌ها در قالب عناوینی خارج از لیست بیمه‌ای انجام می‌شود. پیامد مستقیم این شیوه، کاهش سهم پرداختی کارفرما به صندوق‌های بیمه‌ای و انتقال بار کامل پیامدها به دوش کارگر و نظام تأمین اجتماعی است. شاید در نگاه کوتاه‌مدت، چنین رویه‌ای برای برخی بیمه‌شدگان به معنای اندکی دریافتی بیشتر در دوره اشتغال باشد، اما در واقع بازنشستگی با حداقل حقوق، مستمری‌های پایین از کارافتادگی و مقرری ناچیز بیمه بیکاری، تنها بخشی از هزینه‌هایی است که در آینده بر آنان تحمیل خواهد شد.

## پایداری صندوق و مزد واقعی

بر پایه تحلیل کارشناسان بیمه‌های اجتماعی، اعلام مزد واقعی تنها یک الزام اداری نیست و باید به‌عنوان شرطی بنیادی برای سلامت مالی صندوق‌ها و صیانت از حقوق بیمه‌شدگان دیده شود. علیرضا حیدری، کارشناس این حوزه، معتقد است بیشترین نفع اعلام دستمزد واقعی نصیب کارگران کارگاه‌های تحت پوشش تأمین اجتماعی می‌شود؛ هرچند آثار آن برای سازمان نیز چشمگیر است. افزایش پایداری درآمد‌ها، کاهش کسری‌ها، حرکت به سوی توازن مالی، ارتقای کیفیت خدمات و شفاف‌تر شدن تصویر بازار کار، بخشی از این دستاوردهاست. به تعبیر او،

موضوع دستمزد واقعی، سال‌هاست همچون خط‌باریکی میان حق و ناحق، مسیر رابطه کارگر و کارفرما و آینده صندوق‌های بیمه‌ای را از هم جدا کرده است؛ خطی که هرچه کمرنگ‌تر شود، سایه بی‌اعتمادی و فرسودگی بر پیکره تأمین اجتماعی سنگین‌تر می‌نشیند. اعلام مزد واقعی، نه یک امر اداری ساده، بلکه بنیانی برای محاسبات بیمه‌ای دقیق، تقویت منابع، کاهش فرار بیمه‌ای و تضمین آینده‌ای محترمانه برای میلیون‌ها بیمه‌پرداز محسوب می‌شود؛ زیرا حق‌بیمه صحیح همان سنگ‌بنای مستمری، امنیت شغلی و کیفیت خدمات رفاهی آینده است. واقعیت میدانی اما حکایت دیگری دارد؛ شکاف میان دریافتی واقعی و رقمی که در لیست‌های بیمه‌ای درج می‌شود، به پدیده‌ای فراگیر بدل شده و بخشی از کارگران را با آینده‌ای مبهم روبه‌رو کرده است. پرداختی‌های پنهان، قراردادهای دوگانه و ناآگاهی نیروی کار درباره آثار بلندمدت این عدم شفافیت، مسیر پایداری صندوق‌های بیمه‌ای را با مانع مواجه می‌کند و حتی محاسبه مستمری بازنشستگی، مقرری بیکاری و حمایت‌های درمانی را به سمت کاهش سوق می‌دهد. تلاش‌های اخیر تأمین اجتماعی برای اطلاع‌رسانی بهتر، شفاف‌سازی فرایند بیمه‌پردازی و ارسال پیامک‌های ماهانه به بیمه‌شدگان، گامی برای روشن‌تر کردن این میدان پیچیده است؛ میدانی که حل چالش‌های آن نیازمند همراهی کارفرمایان، افزایش آگاهی کارگران و تکیه بر محاسبات دقیق بیمه‌ای است تا آینده‌افاه و امنیت شغلی، بر پایه واقعیت مزد و نه سایه‌ای از آن بنا شود.

## کارگران و دستمزد مزد پنهان

قوانین کار و تأمین اجتماعی بر ثبت قراردادهای واقعی و پرداخت حق‌بیمه بر مبنای تمام مزایای دریافتی نیروی کار تأکید دارند؛ تأکیدی که اگر جدی گرفته نشود، ساختار بیمه‌ای و رفاهی کشور را در معرض فرسایش خاموش قرار می‌دهد. روند‌های میدانی نشان می‌دهد کم‌اعلام کردن حقوق، به رویه‌ای ریشه‌دار در بخشی از

## صندوق‌های بازنشستگی در عصر دیجیتال

## خدمات الکترونیک هزینه‌ها را کاهش، خطای انسانی را محدود و رضایت بازنشستگان را افزایش می‌دهد

میلیون‌ها مخاطب بود؛ به‌ویژه آنکه صف‌های طولانی و مراجعات مکرر به شعب، هزینه‌های چشمگیری به صندوق‌ها و ذینفعان تحمیل می‌کند. با افزایش تعداد بازنشستگان و مستمری‌گیران، تحول دیجیتال و هوشمندسازی خدمات به مطالبه اصلی ذینفعان تبدیل شده است. توسعه سامانه‌های نوبت‌دهی آنلاین، پنجره واحد خدمات الکترونیک و فرایندهای غیرحضور، علاوه بر کاهش ازدحام در شعب و مراکز درمانی، بار کاری صندوق‌ها را سبک و مدیریت مصارف را امکان‌پذیرتر می‌کند. راه‌اندازی اپلیکیشن‌های تلفن همراه و درگاه‌های هوشمند، دسترسی بازنشستگان ساکن در مناطق دورافتاده را بهبود بخشیده و نیاز به سفرهای طولانی را کاهش داده است. اکنون در سازمان تأمین اجتماعی، به عنوان پرمخاطب‌ترین نهاد بیمه‌ای کشور با بیش از ۵۰ میلیون ذینفع، طیف گسترده‌ای از خدمات بیمه‌ای و بازنشستگی تنها با یک کلیک در دسترس قرار دارد.

تحول دیجیتال در صندوق‌های بازنشستگی دیگر یک انتخاب فناورانه نیست، ضرورتی برای بقا و پایداری نظام تأمین اجتماعی است. رشد شتابان بازنشستگان، افزایش توقع برای دریافت سریع و عادلانه خدمات و تغییر مناسبات اجتماعی در عصر اینترنت، سازمان‌های بیمه‌گر را ناگزیر کرده از الگوی سنتی مراجعه حضوری فاصله گیرند و به سمت هوشمندسازی فراگیر حرکت کنند؛ مسیری که هم ازدحام را می‌کاهد و هم کیفیت و عدالت در ارائه خدمت را ارتقا می‌دهد.

## مناسبات نو، خدمات هوشمند

مناسبات ارائه خدمت در بیمه‌های اجتماعی در سال‌های اخیر دگرگون شده است. گسترش اینترنت و ارتقای انتظارات جامعه، امکان تداوم شیوه‌های قدیمی ارائه خدمات بیمه‌ای، درمانی و بازنشستگی را محدود کرده است. دیگر نمی‌توان تنها با سازوکارهای حضوری پاسخ‌گوی نیاز